

ویژگیهای سبکی قصاید و غزلیات محمدیوسف کلهر کرمانشاهی

عبدالرضا نادری فر*، زینب حیدری فرد

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

مرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۵، صفحات ۱-۲۳

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۵۵۰۶

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: مهمترین عامل برای معرفی یک اثر ادبی بررسی سبک‌شناسی است؛ چراکه سبک‌شناسی یکی از راه‌های نقد روشمند است که میتواند متون ادبی را مورد بررسی قرار دهد. محمدیوسف کلهر کرمانشاهی متخلص به یوسف، شاعر و نویسنده خوش‌قریحه قرن سیزدهم هجری و از سخنوران توانمند دوره بازگشت ادبی است که جایگاه علمی و ادبی، آنچنان که سزاوار اوست، مورد تحقیق و کنکاش قرار نگرفته است. او دارای آثار ارزشمندی به نظم و نثر است. از جمله آثار او دیوان اشعاری است که در قالب‌های گوناگون قصیده، غزل، مثنوی، قطعه و ترکیب‌بند سروده شده است. هدف اصلی این پژوهش تحلیل سبک‌شناسی قصاید و غزلیات یوسف است که علاوه بر آشکار کردن شگردهای زبانی، ادبی و فکری این شاعر، به کشف برخی از حقایق تاریخی و فرهنگی ایران نیز منجر خواهد شد.

روش مطالعه: پژوهش فعلی با توجه به ماهیت نظری آن بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و به سبک توصیفی - تحلیلی صورت پذیرفته است. جامعه و محدوده مدنظر در آن دیوان محمدیوسف کلهر کرمانشاهی به تصحیح، شرح، تحشیه و تعلیقه محمدابراهیم مالمیر و آزاده حسین‌زاده است که انتشارات انصاری آن را منتشر کرده است.

یافته‌ها: نوآوری‌های یوسف در زمینه واژگان و ترکیبات ابداعی سبب شده اشعار او در میان هم‌نوعانش از نمود خاصی برخوردار شود. مضامین عاشقانه، آیینی، عرفانی، مدح و مفاخره از اندیشه‌های مسلط بر اشعار او بشمار می‌روند. همچنین تشبیه، تلمیح، کنایه و تشخیص از برجسته‌ترین صورخیالی هستند که با بسامد بالایی در اشعار او بکار رفته‌اند.

نتیجه‌گیری: بررسی شاخصه‌های اصلی این اشعار گویای آن است که زبان شعری یوسف عمدتاً ساده، پخته، دلنشین و عاری از عیوب فصاحت و بلاغت است. این اثر هرچند متأثر از سبک خراسانی و عراقی است، بکار بردن سبک شخصی در آن توسط شاعر، علت اصلی برجستگی آن بشمار می‌رود. در سطح زبانی استفاده از بحرهای هزج، مجتث و رمل باعث روانی شعر یوسف شده است. در سطح ادبی تشبیه، استعاره، کنایه و بدیع نسبت به سایر آرایه‌های ادبی، از بسامد بیشتری برخوردارند و در سطح فکری مضامین عاشقانه، عارفانه، مذهبی و آیینی، نوجویی و مفاخره بیشتر مشاهده میشود.

تاریخ دریافت: ۱۳ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۱۵ اسفند ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۰۸ فروردین ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

یوسف، سبک‌شناسی، قصاید، غزلیات، بازگشت ادبی

* نویسنده مسئول:

a.naderifar@razi.ac.ir

۰۵ ۳۴۲۷۷۶۰۳ (۹۸ ۸۳)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistic Features of Odes and Gazelles by Mohammad Yousef Kalhor Kermanshahi

A.R. Naderifar*, Z. Heydari Fard

Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۰۱ February ۲۰۲۱

Reviewed: ۰۵ March ۲۰۲۱

Revised: ۲۸ March ۲۰۲۱

Accepted: ۰۴ May ۲۰۲۱

KEYWORDS

Yousef, Stylistics, Odes, Gazelles,
Literary Return

*Corresponding Author

✉ a.naderifar@razi.ac.ir

☎ (+۹۸ ۸۳) ۳۴۲۷۷۶۰۵

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mohammad Yousef Kalhor Kermanshahi, alias to Yousef, is a talented poet and writer of the thirteenth century AH. He is one of the powerful speakers of the literary return period whose scientific and literary position has not been researched as much as he deserves. He has some valuable works on poetry and prose.

There is a collection of poems among his works that has been composed in various forms of ode, Gazelle, Masnavi, a piece of poetry. The current study mainly aims to investigate stylistic analysis of his poems and lyric poems. Besides, revealing the linguistic, literary and intellectual approaches of this poet will also lead to the discovery of some historical and cultural facts of Iran.

METHODOLOGY: Due to the theoretical entity of study that is based on descriptive-analytical research in library, the society in question is the Divan of Mohammad Yousef Kalhor Kermanshahi that is corrected, explained, annotated and suspended by Mohammad Ibrahim Malmir and Azadeh Hosseinzadeh, and published by Ansari Publications.

FINDINGS: Yousef's innovations in the field of words and inventive compositions have caused his poems to have a special appearance among all his contemporary people. The themes of love, ritual, mysticism, praise and boasting are among the ideas that dominate his poems. Besides, simile, allusion, irony and personification are among the most prominent figurative languages that have been frequently used in his poems.

CONCLUSION: Examining the main features of these poems shows that Yousef's poetic language is mostly simple, mature, pleasant and free from the flaws of eloquence and rhetoric.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۰۰.۷](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.00.7)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۹	 ۵	 ۳

مقدمه

در معرفی سبک بازگشت ادبی و نحوه شکل‌گیری آن باید دانست که ایجاد و تحول هر سبک پیش از هر چیزی از تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوره متأثر میشود. بدیهی است که در وهله بعدی مسائلی چون سنت ادبی حاکم، شرایط دینی و جغرافیایی شاعر، نوع مخاطبانش و طرز نگاه، سلیقه و مسائل فردی شاعر نیز در شکل‌گیری سبک ادبی تأثیرگذار هستند. در تاریخ ادبیات ایران، عواملی مانند انحطاط شعر سبک هندی و دلزدگی حاصل از آن، حاکمیت فضای امنیت و آرامش بر جامعه در دوران زندیه و پس از آن و دل‌بستگی پادشاهان قاجار به رسوم درباری حکومت‌های سامانی و غزنوی در زمینه شاعرپروری سبب ایجاد زمینه‌هایی برای تغییر و تحول ادبیات در ایران شدند (ادبیات ایران از روزگار جامی تا به امروز، شفیع کدکنی: ص ۴۳۸). درحقیقت «شکل‌گیری اولیه این مکتب در دو دوره تاریخی یعنی از زمان سلطنت نادرشاه افشار (۱۱۴۸ هـ) تا پایان حکومت هدفدار ادامه پیدا کرد. از همین رو محققان، سبک شعر و ادبیات دوره افشاریه و زندیه را با عنوان «دوره اول بازگشت» و ادبیات دوره قاجار را با عنوان «دوره دوم بازگشت» نام‌گذاری کرده‌اند (بازگشت ادبی و مختصات زبانی شعر آن دوره، شاملو و دزفولیان: ص ۲). این نام‌گذاری بدان علت است که شاعران این عصر مبنای اندیشه و سخنوری خود را متوجه ادبیات سبک عراقی و پیش از آن ساختند. با توجه به کثرت شاعران و تعدد گستره جغرافیایی این سبک، آثار ارزشمند بسیاری وجود دارد که تاکنون مورد مطالعه و پژوهش قرار نگرفته‌اند. یکی از برترین شاعران این دوره، محمدیوسف کلهر کرمانشاهی است که زندگی و سبک شعری او در هیچیک از تذکره‌ها و کتب تاریخ ادبیات فارسی معرفی نشده و چندان شناخته‌شده نیست. در پژوهش حاضر برآنیم تا سبک شعری و جایگاه ممتاز او را در سبک دوره بازگشت ادبی مورد بررسی و کاوش قرار دهیم.

سابقه پژوهش

درباره «ویژگیهای سبکی قصاید و غزلیات محمدیوسف کلهر کرمانشاهی» تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. «دیوان اشعار محمدیوسف کلهر کرمانشاهی» تنها کتابی است که دربرگیرنده مجموعه کامل اشعار این شاعر است که در سال ۱۳۹۱ (چاپ اول) با تصحیح، شرح، تحشیه و تعلیقه محمدابراهیم مالیمیر و آزاده حسین‌زاده بچاپ رسیده است. تنها پژوهشی که در ارتباط با این شاعر انجام گرفته، پژوهشی است با عنوان «واکاوی تحلیلی بینامتنیت سوره یوسف در تخلصهای شعری محمدیوسف کلهر کرمانشاهی» که در آن امرایی و سهامی (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیده‌اند که محمدیوسف کلهر را میتوان از شاعران صاحب سبک فردی در زمینه مضمون‌آفرینی بشمار آورد؛ زیرا او در تخلصهای شعری خود بوفور از داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم بهره برده است. بنابراین درخصوص موضوع مقاله حاضر، تاکنون پژوهش مشابه ارائه نگردیده و اشعار این شاعر از حیث سبک‌شناسی مورد ارزیابی قرار نگرفته است و موضوع موردبحث برای نخستین بار در قالب این مقاله سامان مییابد.

بحث و بررسی

مختصری در شرح احوال و آثار محمدیوسف کلهر

در مقدمه دیوان محمدیوسف کلهر، اینگونه آمده است: «محمدیوسف کلهر کرمانشاهی یا چنانکه خود نوشته است (کرمانشاهی) به یقین یکی از شعرا و مترسلان بی‌نظیر عهد قاجار است که در فن نثر و نظم از سرآمدان روزگار

خویش بوده است و آثار بجامانده از ایشان چنین نشان می‌دهد که شاعر و نویسنده‌ای صاحب فضل و دانش بوده و در ادب و هنر، ذوق سرشار، توانمندی و آگاهی فراوانی داشته است؛ چندان‌که در عصر خود از مترسلان و دبیران مطرح پادشاهان قاجار بوده است و بسیاری از نامه‌های پادشاهان ایران به بلاد عثمانی و عربی و نیز سران اروپایی را به رشته تحریر درمی‌آورده است و بر بسیاری از کتب معتبر ادبی و غیر آن دیباچه نگاشته است. متأسفانه این شاعر شیرین‌سخن و نویسنده توانمند مکتب ادبی کرمانشاه، در هیچیک از تذکره‌های عصری و کتب تاریخ ادبیات فارسی و حتی تذکره‌های محلی که بعداً به چاپ رسیده‌اند، معرفی نشده است. از همین‌رو تاریخ تولد و وفات ایشان بطور دقیق مشخص نیست و تنها از ماده‌تاریخ‌هایی که سروده، معلوم می‌شود در سال ۱۲۲۹ و ۱۲۳۴ ه.ق در قید حیات بوده است و لذا از شعرای دوره بازگشت ادبی محسوب می‌شود.

از یوسف دو اثر گران‌بها برجای مانده که عبارتند از:

۱- بهارستان: این اثر منثور از منشآت شاعر است که در چهار خیابان به شرح ذیل تنظیم شده است:

خیابان اول: خطبه‌های عید، فتحنامه‌ها، تسلیت آیام عاشورا و دیباچه‌ها.

خیابان دوم: عریضه‌ها و فتحها و

خیابان سوم: نامه‌ها و مکاتیب و

خیابان چهارم: رقعه‌ها در موضوعات مختلف به افراد متعدد به زبانهای فارسی و عربی و ترکی.

۲- دیوان اشعار: این نسخه شامل ۱۱۲ برگ است به خط شکسته نستعلیق قرن ۱۳ و در هر صفحه، ۱۲ سطر نگاشته شده و بعضاً در حاشیه صفحات نیز غزل یا قصیده و یا شعری افزوده شده است. این دیوان شامل ۱۱ قصیده، ۶ مثنوی، ۶ قطعه، ۱ ترکیب‌بند و ۱۴ باب غزل بشکل «باب الألف، باب الباء، باب التاء» و چندین رباعی است» (مقدمه دیوان محمدیوسف کلهر، مال میر و حسین‌زاده).

سبک‌شناسی قصاید و غزلیات محمدیوسف کلهر کرمانشاهی

یوسف بدون شک از سرآمدان مکتب دوره بازگشت ادبی است که در انواع فنون سخن به طبع آزمایی پرداخته است. دیوان اشعار او از منظر زبانی مطابق با قواعد نحوی و زبانی قرن سیزدهم (بازگشت ادبی) است اما بسان همه شاعران و سخنوران این دوره، که به تقلید از قدما روی آورده بودند، اشارات سبکی او نیز از این قاعده مستثنی نمانده است؛ بگونه‌ای که در اشعار او بلحاظ زبانی مختصاتی از سبک خراسانی و بلحاظ فکری و محتوایی مختصات سبک عراقی و شیوه آذربایجانی بچشم می‌آید. در این واکاوی از دیوان اشعار یوسف، مجموعه غزلیات (۱۴۵) و قصاید (۱۱) وی در سه حوزه زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار می‌گیرند.

ویژگیهای سطح زبانی

سطح زبانی یکی از مهمترین عناصر شعری زبان است؛ لذا بررسی آن در شعر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موسیقی بیرونی (وزن- بحر): از عوامل مهم موسیقی بیرونی شعر، وزن است که موسیقی در شعر از طریق آن تجلی می‌یابد. وزن اساسی‌ترین عامل در شکل‌گیری ساختمان شعر محسوب می‌شود؛ زیرا از طرفی سبب تشکیل شالوده شعر می‌شود و از طرفی عامل برانگیختن عواطف و حس تخیل در مخاطب محسوب می‌شود. بررسی ۱۵۶ شعر (شامل ۱۴۵ غزل و ۱۱ قصیده) از یوسف گویای آن است که شاعر در مجموع از ۱۰ وزن عموماً پرکاربرد

شعر فارسی استفاده نموده است. از این میان بحر هزج و مجتث با زحافات آنها جزو پریسامدترین اوزان در غزلیات و قصاید شاعر محسوب میشوند.

شفیعی کدکنی در «موسیقی شعر» اوزان شعر را به انواعی چون خیزابی (پرطنین و پر تحرک)، جویباری (آرام و ملایم)، شفاف (دارای موسیقی آشکار) و کدر (دارای موسیقی پنهان) تقسیم میکند. (موسیقی شعر، شفیی کدکنی: ص ۳۹۳). با توجه به این تقسیم‌بندی میتوان گفت که شاعر به اوزان جویباری علاقه و توجه ویژه‌ای ابراز داشته است؛ اینگونه اوزان با خاصیت بینابین قابلیت ارائه مفاهیم مختلف عارفانه، غنایی، مرثیه و حماسی را دارند. دومین وزن پرکاربرد در شعر یوسف بحر رمل به همراه زحافات آن است که جزو اوزان پرکاربرد و خوش‌آهنگ در شعر فارسی است. این وزن از اوزان نرم و سنگین بوده که برای بیان مضامین عاشقانه از جمله هجران و فراق مورد توجه یوسف بوده است. بحر مضارع نیز سومین وزن پرکاربرد در اشعار یوسف است که در زمره اوزان خیزابی بشمار می‌آید. اوزان خیزابی سبب حفظ طنطنه کلام و تحرک و نشاط خواننده میشوند و معمولاً در تناسب با مضامین مدح و منقبت بکار میروند.

تعداد کل هر بحر در غزلیات و قصاید یوسف:

۱ مقارب	۱ کامل	۳ سریع	۴ منسرح	۶ رجز
۸ خفیف	۱۴ مضارع	۳۳ رمل	۴۳ مجتث	۴۳ هزج

بحر	وزن	تعداد	بحر	وزن	تعداد
هزج	هزج مثنی سالم	۱۵	مضارع	مضارع مثنی اخب	۱
	هزج مثنی اخب	۱		مضارع مثنی اخب مکفوف محذوف	۱۳
	هزج مثنی اخب مکفوف محذوف	۱۱		رجز مثنی سالم	۱
	هزج مسدس محذوف	۱۱		رجز مثنی مخبون مرفل	۲

۲	رجز مثنی مطوی مخبون	رجز	۵	هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف	مجثث
۱	رجز مربع مرفل		۹	مجثث مثنی مخبون	
۳	منسرح مثنی مطوی مکشوف	منسرح	۳۴	مجثث مثنی مخبون محذوف	رمل
۱	منسرح مثنی مطوی منحور		۱۲	رمل مثنی محذوف	
۳	سریع مسدس مطوی مکشوف	سریع	۱۵	رمل مثنی مخبون محذوف	رمل
۱	کامل سالم	کامل	۴	رمل مسدس محذوف	
۱	مقارب مثنی سالم	مقارب	۲	رمل مسدس مخبون محذوف	
			۸	خفیف مسدس مخبون	خفیف

موسیقی کناری (قافیه و ردیف): «قافیه تنها یک آرایش شعری نیست، بلکه دارای اهمیت زیادی است. از جمله آهنگ و موسیقی شعر را تکمیل میکند و به زیبایی آن می‌افزاید و گوش‌نواز و شادی‌آور است و نظم و ترتیب به شعر میدهد و اجزای آن را متناسب مینماید و به حافظه کمک میکند» (وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار: صص ۹۲-۹۳). یکی از عوامل مهم برای شهرت شاعری، توانایی شاعر در بحث قافیه است که در بررسی‌های سبک‌شناسی میتوان توان هنری شاعر را در بحث قافیه سنجید.

قافیه: قافیه‌های بکاررفته در اشعار یوسف عموماً در عین برخورداری از هماهنگی و تناسب، در خدمت ارائه اندیشه‌های شاعر و اتصال مفاهیم به یکدیگر هستند. این واژگان علاوه بر ایجاد هماهنگی موسیقایی، سبب ایجاد حس همذات‌پنداری در شنوندگان و ترغیب آنان برای قرار گرفتن در بطن شعر نیز شده‌اند؛ مانند واژه‌هایی چون جانان، پریشان، درمان، گلستان، هجران، باران و حیوان.

تکرار قافیه: این صنعت از جمله مواردی است که یوسف در آن دستی توانا دارد و هر جا که توانسته در کاربرد آن همت گماشته است. بعنوان نمونه:

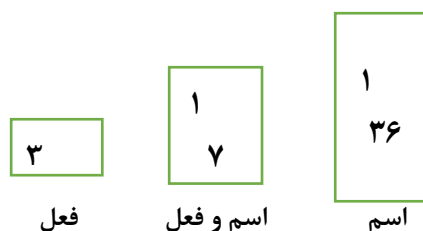
امروز ره خانه خمار گرفتم در حضرت او توبه ز انکار گرفتم
کردم دل و دین هدیه آن بزم پس آنگه جامی دو سه خمر از کف خمار گرفتم
(دیوان محمدیوسف کلهر: ص ۵۰۴)

بررسی مجموعه غزلیات و قصاید این شاعر حاکی از آن است که اگرچه قافیه‌ها در اغلب موارد از کلمات ساده و روان انتخاب شده‌اند اما در برخی موارد از قوافی دشوار نیز استفاده شده است که گویای مهارت و ذوق سرشار شاعر در استفاده از انواع کلمات بدیع و ابتکاری است. (جامه‌دران، سیمبران: ص ۴۶۵)، (ناوک‌انداز، کارپرداز: ص

(۴۹۱)، (مرزنگوش: ص ۴۹۴)، (نوشانوش: ص ۴۹۸)، (مهرگیا: ص ۵۶۴) و (سرهمه‌سا: ص ۵۴۸) مواردی از این قبیل هستند.

بسامد انواع قافیه در اشعار یوسف بلحاظ اسمی، فعلی و ترکیبی (اسمی و فعلی) در نمودار زیر نشان داده شده است.

بسامد اسمی در اشعار او بیشتر است.



ردیف: افزایش موسیقی کلام، پنهان کردن عیوب قافیه، تحریک احساسات و القاء معانی را میتوان برخی از کاربردهای متصور از ردیف بشمار آورد. یوسف با آگاهی از تأثیر عمیق و شگرف ردیف بر غنای موسیقی شعر، در ۵۸/۹۸ درصد از اشعار خود از انواع ردیفهای فعلی، اسمی، گروهی، ضمیر، قید و حرف مفعولی استفاده کرده است. از این میان ردیفهای فعلی بویژه فعلهای تام دارای بیشترین بسامد در شعر او هستند. لازم به ذکر است که ردیفهای شعری یوسف بسان دیگر شعرای عهد بازگشت عمدتاً از کلمات ساده و روان انتخاب شده‌اند.



موسیقی درونی

علاوه بر موسیقی بیرونی و کناری که سبب آهنگین شدن کلام شعر میشوند، موسیقی درونی نیز با ایجاد برخی مختصات زبانی در ایجاد تناسب و توازن و درنهایت غنای موسیقی شعر نقش بسزایی دارند.

– تخفیف کلمات (تخفیف یک یا چند حرف از کلمه)

ساحت کرمانشهان ز مقدمات آمد چون ز قدوم رسول، ساحت بطحا
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۵۲)

– تغییر مصوت

– تبدیل مصوتهای کوتاه به بلند

اوقتاده پی دل چشم تو با ترکش و تیر آخر آن ترک چه می‌خواهد از این مرغ اسیر
(همان: ۴۷۷)

- تبدیل مصوت‌های بلند به کوتاه

چند ز شیخ بشنوم موعظه‌های بیّه‌ده ناله‌ی نای و نی چه شد، نغمه‌ی چنگ و تار کو
(همان: ۵۴۴)

انواع جناس

یکی از توانایی‌های تحسین‌برانگیز یوسف در کاربرد واژه‌ها بعنوان یکی از اساسی‌ترین ابزارهای ساخت موسیقی شعر، کاربرد وسیع انواع جناس برای القای بهتر مفهوم و توسعه‌ی موسیقی کلام است.

جناس تام

گشاید از بُت من چین زلف پُرچین را خطا بود که گشایند نافه‌ی چین را
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۳۸۸)

جناس مرکب

عدوی بی‌ثبات او بود گر فی‌المثل گردون ز تاب تیغ خونریزش برد کی قَر بجز کیفر
(همان: ۹۹)

جناس مضارع

ز باد کفر گشتی کشتی اسلام طوفانی نمی‌بودی گر از حکم گران‌سنگ تو‌اش لنگر
(همان: ۱۰۸)

جناس زاید

من از بزم تو محروم و رقیب اندر برت محرم ستم بنگر که گلچین در به روی باغبان بندد
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۴۶۱)

جناس محرف

از غم عشق نمانده است مرا تاب و توان بکُش از بهر خدا و بکُش زار مرا
(همان: ۳۷۵)

اشتقاق و شبه آن

«صنعت اشتقاق آن است که در نظم یا نثر، الفاظی را بیاورند که حروف آنها متجانس و شبیه بهم باشند؛ این حروف اگر از یک ریشه مشتق شده باشند، دارای اشتقاق هستند اما اگر از یک ماده مشتق نباشند و تنها حروف آنها به یکدیگر شبیه و نزدیک باشند، دارای صنعت شبه‌اشتقاق هستند» (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۷۴).

اشتقاق

دولتشه جم رتبه که رکاب رکابش هر یک به جهان ملکه و ملک‌ستانند
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۴۶۶)

شبه‌اشتقاق

در رهم چند نهی دام جفا ای صیاد بس بود دام از آن طره طرار مرا
(همان: ۳۷۵)

پارادوکس

یکی دیگر از ابزارهای تصویرسازی، پارادوکس یا متناقض‌نماست که بسبب ایجاد حس خیال‌انگیزی فوق‌العاده از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است.

زین عجب کز اثر تربیت شاه جهان نام گمنام چنین شهره ایام افتاد
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۴۴۴)

سطح واژگانی

بسامد بالای برخی واژگان در سبک‌شناسی واژگانی شعر، نوعی بازتاب‌دهنده سبک شخصی، دوره‌ای و حتی جهان‌بینی و رویکرد خاص شاعری است. در سبک شعری یوسف بلحاظ واژگانی همانند دیگر شاعران مکتب بازگشت ادبی، گرایش فراوانی به تقلید از سبک عراقی دیده می‌شود. بر همین مبنا در میان غزلیات او علیرغم استفاده از لغات رایج و پرکاربرد زبان فارسی، واژگان و ترکیباتی از زبان عربی و ترکی نیز دیده می‌شوند. استفاده از واژه‌ها و ترکیبات عربی در قصاید یوسف دارای بسامد بیشتری است، به نحوی که گاهی خواننده را در فهم معنای شعر دچار مشکل می‌کند. همچنین کاربرد واژگان کهن، حکمی و فلسفی، نجومی، موسیقایی و... نیز در قصاید و غزلیات این شاعر بشکلی هنروارانه نشان‌دهنده وسعت اطلاعات و آگاهی وی از علوم مختلف زمانه خود است.

کاربرد کلمات کهن: در مجموعه اشعار یوسف، علیرغم اینکه شاعر عمدتاً از کلمات ساده و روان استفاده کرده است، گاهی با واژه‌هایی روبرو می‌شویم که بلحاظ کهنگی برجسته و قابل توجه هستند. از این میان واژه‌هایی از قبیل «چلیپا»، «درا»، «شنشان»، «لجه»، «نجه»، «نشر»، «ناسور»، «سپند»، «چنگل»، «توید»، «اشهب»، «اکسون»، «مرصف»، «دیجور»، «مسته»، «ضیغم»، «برگستوان»، «تیره» و «لبوس» را میتوان نام برد.

توید هجر تو را یوسف اختیار چه باشد بجز فغان و خروشی، بغیر ناله و آهی
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۵۶۴)

※ «توید» به معنای بریان شدن و تافتن بکار رفته است.

کاربرد کلمات و ترکیبات عربی: رواج تشیع و احیای دانشهای مذهبی، تعلیم زبان عربی در مدارس و تألیف آثار بسیاری به زبان عربی در دوران صفویه و پس از آن از جمله عوامل گرایش سخنوران به فرهنگ و زبان عربی در ایران بشمار می‌آید. از ویژگیهای برجسته شعر یوسف، کاربرد فراوان واژگان و ترکیباتی از زبان عربی است. بعنوان نمونه واژه‌های تعالی الله، الحکم لله، الحمد لله، لوحش الله، حاش لله، لله الحمد، حبذا و مرجبا را میتوان مثال زد. گرایش به زبان عربی در اشعار یوسف بحدی است که گاهی برخی از مصراعها کاملاً به زبان عربی سروده شده است.

لمعاتُ حُسنِ حبیبنا رفعت لیا لینا الظلم زهی از فروغ جمال تو زده طعنه بتکده بر حرم
(همان: ۵۱۴)

کاربرد کلمات ترکی: توانایی و استعداد شاعران و نویسندگان در کاربرد واژه‌ها و ترکیبات از دیگر زبانها یکی از وجوهی است که سبب تمایز و برجسته شدن آنها از سایر سخنوران عرصه هنر میشود. یوسف نیز در برخی از اشعار خود به کاربرد برخی کلمات ترکی همت گماشته که البته تعداد آنها انگشت‌شمار است. از جمله میتوان به «وشاقان»، «ایاغ»، «بیلک»، «طغان» و «چوق» اشاره کرد. او همچنین یک غزل را بطور کامل به زبان ترکی سروده است. مطلع این غزل به شرح زیر است:

مُقوس قاشلری بیلله آل احدى تیرمژگانه که کونکلدن کیچن وقتی او پر پیکانی پیکانه
(همان: ۵۵۰)

کاربرد اصطلاحات و کلمات حکمی و فلسفی: کاربرد این دسته از کلمات در میان قصاید یوسف بوفور یافت میشود؛ گویا شاعر با استفاده مکرر از اینگونه لغات بنوعی به داشتن اطلاعات دیرپای فلسفی تفاخر ورزیده است. آن جسم روح‌بخش مصفی که بی عرض شد جوهر مجرد را نعم الغذا از آن غیر از صور چند در او هیچ نیاید گر از ره معنی سوی گردون نگرد کس
(همان: ۶۰)

کاربرد کلمات مربوط به موسیقی: بکارگیری دقیقترین اصطلاحات موسیقی در زیباترین شکل ممکن از دیگر ویژگیها و اختصاصات شعری یوسف بشمار میرود.

مطرب تو هم ز لحن همایون به چارگاه شور طرب برآر ز عشاق اصفهان
در کوچک و بزرگ عراق و حجاز باز در ده صلا عیش که هان ای گروه هان
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۵۳۲)

کاربرد کلمات مربوط به علم نجوم: استفاده از کلمات مربوط به ستاره‌شناسی نیز در میان اشعار یوسف بویژه در میان قصاید او امری متداول است. سرطان، جوزا، تنجیم، فرقد، اکلیل، ممثل، مدیر و پروین از این قبیل کلمات هستند.

گر نهد پای شرف بر سر تخت گردون سرطان تاج دهد هدیه و جوزاش کمر
ور کند رای نوشتن فلک آرد پیشش از شهاب و شب و خور کلک و مداد و دفتر
(همان: ۱۲۴)

برخی نوآوریها، ابداعات و نقاط ضعف شاعر

ترکیب‌سازی و ایجاد واژه‌های نو یکی از هنرها و نکات برجسته شاعران است که اگر بخوبی و در راستای انتقال حس شاعر و تکمیل معنای شعر باشد و یا باعث ایجاد معانی جدید شود، بسیار ارزشمند است. اشعار محمدیوسف کلهر نیز گواه آن است که وی در ساخت انواع ترکیبهای وصفی و اضافی دارای نوآوری است. برخی ابداعات او در این زمینه شامل مثالهای زیر هستند:

مرغ رشته‌برپا، بُت کج کلاه، لجه اشک، طایر پابسته بشکسته‌پر، دولتشه جهرتبه، اسبان برق‌پوی صباپی، زمردرنگ برق‌آهنگ صمصامی، پای‌فرسای اشارات، دست‌فرسود عبارات، درفش اژدهافش، ناوک دلدوز، نهنگ‌آهنگ، نیلگون‌مضمار، گردن گردون‌گردان، راز ماسیاتی و ...

زمردرنگ برق آهنگ صمصامی که از بیمش کشد ترک فلک، بهرام خون آشام را در بر
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۱۱۸)

ویژگیهای سطح ادبی

مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک‌شناسی ادبی دارند. شگردهای بلاغی و صناعات بدیعی را تمهیدات سبکی نیز مینامند. تمهیدات سبکی هم در آفرینش متن خلاقانه کارآمد هستند و هم به فرایند خوانش و تحلیل متن یاری میرسانند (سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی: ص ۳۰۳). نتایج بررسیها در سطح ادبی نشان میدهد کلام یوسف با رعایت ظرافتها، هنرمندیها و بکارگیری صور مختلف مخیلات ذهنی دارای فصاحت و بلاغتی کم‌نظیر است. «دوره بازگشت ادبی، دوره‌ای است که بحرئت میتوان گفت سرآمدان آنها در مکتب ادبی کرمانشاه طبع آزمایی کرده‌اند. ... بگونه‌ای که اگر اهل فن به آثار آنها با دیدۀ تحقیق بنگرند، معلوم خواهد شد که از بسیاری از شعرای بزرگ دوره بازگشت ادبی برتر و توانمندترند و آثار آنها بیشتر و هنرورانه‌تر از دیگران است» (مقدمۀ دیوان محمدیوسف کلهر، المیر و حسین‌زاده). یوسف مانند دیگر شاعران از صورخیال و آرایه‌های ادبی برای زینت کلام خود نهایت استفاده را برده است و در اشعارش آرایه‌های تشبیه، استعاره، کنایه، تلمیح و بدیع بیشتر از همه دیده میشود.

بیان

تشبیه: یوسف در بکارگیری انواع تشبیه از قدرت ذهنی بالایی برخوردار است. از همین رو تشبیه در اشعار او به یکی از پربسامدترین آرایه‌های ادبی تبدیل شده‌است.

تشبیه بلیغ

شد شه ملک جنون، این دل مفتون بلی سایۀ زلفت بر او سایۀ بال هماست
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۴۱۱)

شد قدم از بار غم، چو رشتۀ مریم شد تنم از سوز دل، چو سوزن عیسی (همان: ۳۸)

تشبیه تفضیل

هرکس ندیده سرو که خورشید برده‌د کو بنگرد به سرو صنوبر خرام ما
(همان: ۳۹۶)

براندازد مه بی‌مهرم از عارض اگر برقع مه از خجلت چو عکس مهر در آب روان لرزد (همان: ۴۵۳)

تشبیه جمع

فغان که کرد سیه‌روزم آن دو زلف سیاه که گاه برقع مهر است و گاه هالۀ ماه
(همان: ۵۴۶)

ستوده دولت‌شاه آنکه ماه و مهر فلک یکیش چتر و دوم تاج و سیم اورنگ است (همان: ۴۱۴)

- تشبیه مشروط یا مقید

سزد که حور و پری خوانمت اگر چون تو پری فسونگری و حور ساحری داند
(همان: ۴۱۲)

تشبیه تسویه

کردند چشم و خال و خطت عالمی خراب زینسان مده اجازت کین این سپاه را
(همان: ۳۹۸)

تشبیه مفرد به مفرد

بر کتف تو سپر، چو مهر نبوت بر کف تو نیزه، همچو اژدر موسی
(همان: ۵۶)

از آن زمان که شدم دور از حضور تو گشته تنم چو موری ز مویه، دلم چو نال ز ناله
(همان: ۵۴۹)

تشبیه مرکب به مرکب

ز تاب آتش می، خوی نشسته بر گل رویت چنانکه صبح به رخسار لاله، قطره ژاله
(همان: ۵۴۹)

عرق بر صفحه رخسارش از شرم آنچنان لرزد که شب‌نم صبح بر برگ گل از باد وزان لرزد
(دیوان اشعار: ۴۵۳)

بعد از بررسی ۷۰ مورد از غزلیات، قصاید و رباعیات یوسف، ۱۱۲ مورد آرایه تشبیه یافت شد که شرح تعداد و درصد هریک از انواع آن در جدول زیر آورده شده است.

تشبیه و انواع آن	بلیغ	تفصیل	جمع	مشروط	تسویه	مفرد به مفرد	مرکب به مرکب
تعداد	۸۲	۱۰	۳	۱	۱	۱۲	۳
درصد	۷۳٪	۹٪	۳/۷۰	۱/۲۳	۱/۲۳	۱۰٪	۳/۷۰

استعاره: کزازی، استعاره را دامی تنگتر و نهانتر از تشبیه میداند که پروردگی و ارزش زیباشناختی آن از تشبیه فرونتر است؛ زیرا خواننده را بیشتر به شگفتی می‌آورد (بیان، کزازی: ص ۹۵). یوسف در اشعار خود همواره سعی دارد با عاریت گرفتن لغات و مضامینی زیبا در استعاره، کلامی تازه بیافریند. قریحه شاعرانه او سبب بکارگیری استعاراتی بطور ویژه در وصف معشوق شده است. بیشتر استعارات بکاررفته در شعر، ساده و بر تشبیهات صریح استوارند.

استعاره مصرحه

چه شد که بسته لب از خنده پسته شکرینت چرا شکسته مه روی آفتاب جلایت
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۴۴۲)

* پسته شکرین استعاره از دهان معشوق است.

فلک از چشم من بنهفت ماهم از آن ریزم ز مژگان کوکب امشب
(همان: ۴۰۳)

* ماه استعاره از صورت زیبای معشوق و کوکب استعاره از قطرات اشک است.
استعاره مکنیه

دلم از دست دیده پر خون است که چرا فاش میکند رازش
(همان: ۴۹۰)

* دیده به معنای چشم به انسانی تشبیه شده که به افشای راز میپردازد.
ور سوی باغی روم به عزم تفرج / تا شکفت دل ز سیر سوری و رعنا
غنچه زند ناوکم ز کینه به سینه / سبزه کشد خنجرم ز خشم بر اعضا
* در بیت اول، دل به گلی مانند شده که قابلیت شکوفایی دارد و با توجه به حذف مشبیه به آرایه استعاره مکنیه
شکل گرفته است. در بیت دوم نیز غنچه و سبزه از طریق استعاره دارای خصوصیات انسانی چون کینه‌جویی و
خشمگینی در نظر گرفته شده‌اند.
اضافه استعاری

شد جیب جان ز دست فراق تو چاک‌چاک آن به که هم ز رشته آهش رفو کنم
(همان: ۴۰۰)

* واژه جان به انسانی تشبیه شده که از لوازم آن داشتن جیب (گریبان) است.
مرا بتان آن زمان زبان بستند / که دست جور گشادند و پای جان بستند (همان: ۴۶۲)
* واژه‌های جور و جان با تشبیه به موجودی جاندار، دارای دست و پا انگاشته شده‌اند.
بسامد انواع استعاره در میان ۷۰ مورد از اشعار دیوان یوسف:

استعاره و انواع آن	مصرحه	مکنیه	اضافه استعاری
تعداد	۳۷	۴۰	۱۰
درصد	۴۲٪	۴۵٪	۱۱٪

کنایه: کنایه از شگردهای تصویرسازی هنری است که از نظر لفظ و معنای ظاهری در محور هم‌نشینی کلام و از
نظر معنای پوشیده و دور در محور جانشینی کلام جای میگیرد و باعث ایجاد نوعی فشرده‌سازی در متن کلام
میشود (سبب باغ جان، خلیلی: ص ۱۴۱).

صیدکنان میرسد اینک ز راه دست ز خون بسته حنا را ببین
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۵۳۵)

* «حنا بستن دست از خون» کنایه از خونریزی و کشتن کسی است.
اکثر کنایات بکاررفته در اشعار یوسف از نوع ایماست که مخاطب معنای آنها را به‌آسانی دریافت میکند: هم گوش
بر در، هم چشم بر راه (۵۴۶)، بستی دل جهانی در قید زلف زین پس (۳۴۹)، بسان بلبلان در خارخار عشق
گلرویان (۳۷۳)، تو را ز خون کسی دست و پنجه رنگین است (۴۲۱)، دلی که بود مکان تو عاقبت خون شد
(۴۵۸)، خلقی بسمل اندر خون چون پسندند (۴۶۳)، رونق مشک برد، قیمت عنبر شکند (۴۶۴)، کز عشق تو

گلها همگی جامه‌درانند (۴۶۵)، پا بر سر گردون نهند از ره پستی، قومی که در این بادیه بی‌پا و سرانند (۴۶۵)، باید ز خون خویش از اول وضو کنند (۴۶۶)، زان که مرغ بسته‌پر، کی میبرد جای دگر (۴۷۶)، چون طاقت یار من شد از عشق تو طاق (۵۷۵). فراوانی این دسته از کنایات در دیوان شعر او بر این دلالت میکند که شعر فارسی در دوره بازگشت ادبی میکوشد در عین آفرینش صور زیبایی بلاغی، به اصول ساده زبان در سبک خراسانی نیز پایبند باشد.

بدیع

تناسب: یکی از عوامل مؤثر در ایجاد گیرایی و جذابیت اشعار یوسف، انتخاب شایسته لغات و ایجاد پیوند و هماهنگی بین آنهاست. در دیوان یوسف تناسب بشکلی هنری و بگونه‌ای که با کلمات دیگر هماهنگی و ایهام تناسب ایجاد میکند بکار رفته است.

به پیش عارض او مهر و مه چنان باشند که پیش مهر، سها نزد ماه پروین است
(همان: ۴۲۱)

اگر به دامن وصل تو دست برسد به فرق عرش برین نهم پرا را
(همان: ۳۴۷)

همچنین وجود تناسب و هماهنگی میان گروه کلماتی چون (جام، ساغر، مینا: ۳۹)، (دست، کف، بازو، پا: ۳۷)، (رشته، سوزن، مریم، عیسی: ۳۸)، (تیر، کمان، ناوک، نشانه: ۴۵۳)، (شعر، نثر، شعری، نثره: ۴۰)، (طعمه، مسته/قهر، زور/گور، ضیغم/صعوه، عنقا: ۵۱)، (نغمه، سرود، انجمن خسرو، نوای نکيسا: ۶۱)، (باغ، غنچه، سبزه، سوری، رعنا/ناوک، خنجر/سینه، دل، اعضا: ۴۰) و ... نشان از اهمیت این آرایه ادبی در اشعار یوسف دارد.

حسن آمیزی: بطور کلی شعر حاصل یافته‌ها و داشته‌های شاعر است و این یافته‌ها و داشته‌ها از یک حواس بتنهایی بهره نمی‌برند. بلکه شاعر برای بیان و انتقال این موارد به مخاطب باید تعبیرات و ترکیباتی بیافریند که تمام حواس وی از آن متأثر است.

ز شور آن لب شیرین چه زهرها که چشیدم ولی دریغ که جز حرف تلخ ازو نشنیدم
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۵۱۲)

تو شوربختی من بین که آن شکرگفتار جواب تلخ دهد زان دهان چون قندم
(همان: ۵۱۲)

نمونه‌های دیگر:

-بگشا غنچه‌صفت آن دهن شیرین را/ کز شکرخنده لب قیمت شکر شکند (۴۶۴)

-کور باد آن چشم کز عشق بتی خونبار نیست/ کر شود گوشتی که هرگز محرم رازی نشد (۱۴۶)

-دهد گاهی اگر صیاد گوشتی به فریادم/ فغان کز بخت بد گردون مرا لب از فغان بندد (۴۶۱)

لف و نشر و تقسیم: لف و نشر (پیچش و گسترش) زمانی اتفاق می‌افتد که شاعر به ذکر یک یا چند واژه در قسمتی از مصراع یا بیت می‌پردازد و در قسمت بعدی، واژگانی را در توضیح آنها می‌آورد. برخی از لف و نشرهای بکاررفته در اشعار یوسف در زمره شاهکارهای ادب فارسی بشمار می‌روند:

ز هجر روی تو چند جانا بود دل ما به سینه نالان / بکش به خوش، بکش زبونش، ز تیغ ابرو، به تیر مژگان
(همان: ۵۳۰)

دل ربای ز خلق و جان بخشی / حبذا سحر و مرحبا اعجاز
(همان: ۴۸۷)

خنجر و سینه بسان شعله و کانون / تیغ و گلو بر مثال چشمه و مجری (همان: ۵۳)
تقسیم

نه عقل ماند نه دین هم آن رود از کف هم این / گر ساقی امشب اینچنین در گردش آرد جام را
(همان: ۳۶۲)

از همه اسباب حسن وز همه اسرار عشق / آنکه نداری وفاق و آنکه ندانی وفاسست
(همان: ۴۱۱)

ایهام: انواع مختلف ایهام از طریق تناسبهای معنوی، تقابلهای تضادها و تناظرهایی که در شعر پدید می‌آورند، علاوه بر افزایش موسیقی معنوی کلام، باعث قراردادن مخاطب بر سر دوراهی و لذت‌خاطر در او میشوند. مانند نمونه‌های زیر:

گفت دل فگار را صبر کن از فراق کن / وای به حال زار دل، صبر کجا قرار کو
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۴۱۲)

* «صبر» در مصراع دوم به معنای گیاه و سکینه دل بکار رفته است.

امروز مرا دیده گریانی بود / دور از جانان، نه دل و نه جانی بود (همان: ۵۷۳)

* عبارت دور از جانان در دو معنای (بر اثر فراق جانان) و (از جانان دور باشد؛ نوعی عبارت دعایی) بکار رفته است. ایهام تناسب

خوبان ختا شکسته‌خاطر / از چین دو زلف مشک‌فامست
(همان: ۵۱۹)

* واژه «چین» در مصراع دوم به معنای پیچش مو است اما همین واژه در معنای نام یک سرزمین (که مد نظر نیست) با واژه ختا ایهام تناسب می‌سازد.

هرچند که عشاق به آهنگ نوا / گشتند ز تارهای غم عقده‌گشا

بی روی همایون تو، این بزم امشب / چون محفل ماتم حسین است به ما (همان: ۵۷۰)

* واژه همایون در بیت دوم به معنای فرخندگی و مبارکی است اما در معنای یکی از دستگاه‌های موسیقی (که مد نظر نیست) با کلمات عشاق، نوا و تار ایهام تناسب دارد.

ایهام تضاد

دلا با چشم او بگذر ز سودای سر زلفش / چگونه مرغی اندر پهلوی باز آشیان بندد
(همان: ۴۶۱)

* واژه «باز» در مصراع دوم نام یک پرنده است اما در معنای گشاده و مفتوح (که مد نظر نیست) با واژه بندد ایهام تضاد می‌سازد.

امروز دلی ز خون لبالب دارم / نی نی روزی سیاه چون شب دارم

طفلی دیدم به مکتب امروز و از آن / پیرانه‌سر آرزوی مکتب دارم (همان: ۵۷۶)

*واژه «پیرانه‌سر» به معنای رسیدن به سن پیری و داشتن موهای سفید است که با واژگان «سیاه و شب» در بیت نخست ایهام تضاد می‌سازد.

ایهام تبادر

ناچار به کنج نامرادی افسر / پنهان با خویش گفتگویش دارم (همان: ۵۷۶)

*واژه کنج بعلت شباهت ظاهری، سبب تبادر واژه «گنج» به ذهن می‌شود که در ارتباط و تناسب با واژه افسر به معنای تاج پادشاهی است.

پنجه به کوپال کوه کوب چو یازی / نرم کنی همچو سرمه پیکر خارا (همان: ۵۹)

*واژه یازی، سبب تبادر کلمه «باز؛ نوعی پرنده» به ذهن می‌شود که با کلمه پنجه نیز تناسب دارد.

جدول بسامد انواع ایهام در بررسی ۷۰ مورد از اشعار دیوان یوسف:

ایهام و انواع آن	ایهام	ایهام تناسب	ایهام تضاد	ایهام تبادر
تعداد	۷	۱۷	۵	۶
درصد	۲۰٪	۴۸٪	۱۴٪	۱۷٪

حسن تعلیل: حسن تعلیل آن است که برای صفتی که در سخن آورده شده، علتی ذکر شود که با آن مطلب مناسبت لطیف داشته باشد، مانند مورد زیر:

خویشتن را چون سزای بخشش وجودت ندید گنج قارون زان شد اندر خاک از خجلت نهان

(همان: ۱۵۵)

* شاعر این بیت را در ستایش ممدوح خود سروده است. او بطرزی شاعرانه معتقد است که گنج قارون چون خود را سزاوار فرد سخاوتمندی چون ممدوح شاعر ندیده، از شرمساری در زمین فرورفته است؛ درحالی‌که علت اصلی آن طبق آیات و روایات این است که خداوند پی سرکشی قارون، گنج او را برای عبرت دیگران به قعر زمین فروبرد. در هریک از نمونه‌های زیر، حسن تعلیل بنحوی بر زیبایی سخن شاعر افزوده است:

- دلدار میرسد ز سفر زان رسد به گوش / آواز آشنا ز فغان جرس مرا (۳۷۶)

- در سر سودای جمال تو گل / خار جفا این همه بر پا شکست (۴۲۲)

- مهر از پی کسب نور از آن رو / هر صبح آید به طرف بامت (۴۳۰)

- ندانم از چه پریده است رنگ از گل رویت / سیاهپوش از جور که گشته زلف دوتایت (۴۴۲)

- نکشد مهر تا از او خجلت / ماه من زان نقاب می‌طلبد (۴۴۶)

- ای شمع اگر نه‌ای تو هم عاشق زار / از بهر چه در سوز و گدازی تا روز (۵۷۴)

تلمیح: تلمیح در اشعار یوسف نه‌تنها در جایگاه صنعتی بدیعی بلکه بعنوان یک حوزه گسترده معنایی باعث تقویت هرچه بیشتر زبان شاعرانه او شده و به نوبه خود جلوه‌گر بسیاری از عناصر قرآنی، اساطیر ملی و پهلوانی، ادبیات غنایی و داستانهای عاشقانه و اسطوره‌ای شده است.

تضمین و تلمیح به آیات قرآن

سرودی کی نوای لا احب الاقلین هرگز / فدا کی می‌فرستادی برایش خالق اکبر (همان: ۹۹)

عبارت مشخص شده بخشی از آیه ۷۶ سوره انعام است که در معنای دوست نداشتن ناپدیدشدنیهاست.
خواست تا جلوه دهد حسن خود از روز ازل قرعۀ عشق چو بر نام بنی آدم زد
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۴۵۷)

* این بیت برگرفته از آیه ۷۲ سوره احزاب است: إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا.
در هریک از ابیات زیر چشمزدی به آیات قرآن صورت گرفته است:
- لیک ز آواز روز قیامت/ زنده شود هرکسی که هست ز موتا (۶۰)
- حدیث سلسبیل ای شیخ کم گو/ که مستان باده گلگون پسندند (۴۶۳)
- بزم تو خلد و شراب، شربت کوثر/ حوروشان هر طرف به جلوه چو حورا (۶۰)
- نعرۀ نای جهان آشوبش رزمش روز کین/ در فنای خصم اول صوراسرافیل باد (۶۷)
- با زلف نگار من ندارد قدری/ تا چند حدیث لیلۀ القدر کنید (۵۷۴)
- تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) و دیگر پیامبران
چشم یوسف شده چون دیده یعقوب سفید که گرفتار به زندان غمش من کردم
(همان: ۵۱۰)

تأثیرپذیری محمدیوسف کلهر از عناصر مضمون ساز داستان حضرت یوسف (ع) در محورهای چون زیبایی ظاهری و باطنی حضرت یوسف، بردگی و فرمانروایی او و زندانی شدن و تحمل هجران او از جانب حضرت یعقوب (ع) با بسامد بالایی قابل ملاحظه است. از آنجاکه تخلص شاعر نیز «یوسف» است، توانسته در زمینه مضمون آفرینی تخلص نیز هنرنمایی کرده و از شاعران صاحب سبک فردی در این زمینه بشمار می آید. ابیات زیر نیز نمونه های در اشاره به سایر پیامبران هستند:

- شد قدم از بار غم، چو رشته مریم/ شد تنم از سوز دل چو سوزن عیسی (۳۸)
- همچو عصای کلیم، نیزۀ خطبش/ آب برون آورد ز صخرۀ صما (۴۴)
- بهر آنان کز سغه کردند تکذیب نبی/ نسخه فرمان رایت ناسخ انجیل باد (۷۰)
تلمیح به اساطیر ملی و پهلوانی

نگون شد رایت ضحاک شب در صف گردون لَوای کاویان افراخت چون مهر فریدون فر
غریو کوس کاووس فلک، پیچید در گیتی به راه هفت خوان اختر تاخت با لشکر
ز بهر دفع دیو شب دگر ره رستم گردون برآورد از نیام صبح روشن، آبگون خنجر
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۸۹)

بکارگیری اسامی پهلوانان و شاهان اسطوره ای ایرانی از دیگر خصایص شعری یوسف است. این امر «با انطباق تأویلی و هنروانه در مصادیق تشبیهی و استعارۀ بکاررفته که بجهت کثرت استعمال میتوان این ویژگی را از اختصاصات سبکی ایشان بحساب آورد» (مقدمۀ دیوان محمدیوسف کلهر، مال میر و حسین زاده).
تلمیح به داستانهای عاشقانه و اسطوره ای

چند زاهد منع ما در عشق لیلی طلعان کز ازل این قسمت مجنون ناشاد است و من
ناخن ما، تیشۀ ما، سینۀ ما سنگ ما آری اندر این عمل فرهاد استاد است و من
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۵۳۵)

یوسف در هرجا که مجالی یافته به ادبیات غنایی و داستانهای عاشقانه اشاراتی داشته است. او توانسته مضامین و
پیامهای مدنظر خود را از طریق پیوند به داستانها و اسطوره‌ها بیان کند.
جدول بسامد تلمیح در مطالعه ۷۰ مورد از اشعار دیوان یوسف:

تلمیح	آیات قرآن	پیامبران	اساطیر ملی و پهلوانی	داستانهای عاشقانه و اسطوره‌ای
تعداد	۲۰	۱۷	۹	۳۰
درصد	۲۶/۳۱	۲۲/۳۶	۱۱/۸۴	۳۹/۴۷

ارسال‌المثل یا تمثیل

ارسال‌المثل به معنای آوردن مطلبی حکیمانه در شعر است که نتیجه آن باعث آرایش کلام و تقویت بنیۀ سخن
میشود. محمدیوسف کلهر در بسیاری از موارد برای تبیین موضوع خود از تمثیل (ضرب‌المثل-مثال به موارد
مشابه) استفاده میکند.

برای کشتن من اینقدر شتاب مکن که تیر بازنیاید چو شد برون از شست
(همان: ۴۲۳)

دلم ز زلف خم اندر خمش به جان ترسد چرا که مار گزیده ز ریسمن ترسد
(همان: ۴۵۷)

ابیات زیر نمونه‌هایی دیگر از کاربرد آرایۀ تمثیل هستند:

-زانکه نباشد روا که هدیه فرستد/ جانب عمان کسی ز لؤلؤ لالا (۶۳)

- ز سینۀ طایر دل وحشتی عجب دارد/ کسی ندیده که مرغی از آشیان ترسد (۴۵۷)

-خاسته گرد آنچنانکه همچو غرابی/ زیر پر خود گرفته بیضه بیضا (۵۵)

-مرا چه باک ز بیداد آسمان زین پس/ درخت خشک چرا دیگر از خزان ترسد (۴۰۷)

-به قصد یک جهان جان غمزه‌اش هر دم میان بندد/ بنامیزد که دزدی راه چندین کاروان بندد (۴۵۵)

- درآ به دیدۀ من و آن جمال بنگر/ که جلوۀ رخ لیلی به چشم مجنون است (۴۱۷)

ویژگیهای سطح فکری

ویژگی فردی و تمایلات درونی هر شاعر و نویسنده‌ای را میتوان از طریق شناسایی انواع مضامینی که در آثار خود
بکار میبرد، تشخیص داد. در قصاید و غزلیات یوسف نیز مضامین عاشقانه، مذهبی و آیینی، عرفانی، مدح،
مفاخره، خردستیزی و اشعار گلایه‌آمیز و تهنیت‌آمیز مشاهده میشود که به برخی از مهمترینها پرداخته میشود.
مضامین عاشقانه: با توجه به اینکه قالب برتر در دیوان یوسف غزل است، میتوان مضامین عاشقانه را مهمترین و
پرکاربردترین درونمایه در شعر او دانست. معشوق در شعر یوسف برخاسته از تخیل پردازیهای شاعرانه و از نوع

زمینی است و بطور دقیقتر همان معشوق جفاکار و بیوفای سبک خراسانی است که شاعر عمری را در فراق و انتظار وصل او بسر برده است.

اگر ز جنس پری ور ز خیل خلق جهانی نه ز آب و خاک که سر تا پا سرشته جانی
به حسن غیرت مهری به چهره ماه سپهری ولی چه سود که رسم مهر و وفا ندانی
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۵۶۰)

مضامین مذهبی و آیینی

نیایش با خدا: مناجات و نیایشهای مخلوق با خالق یکی از وجوه مسائل غنایی در ادبیات فارسی است که در بیشتر آثار شاعران و نویسندگان بچشم میخورد. یوسف نیز در همین راستا و در نیایش خود با خداوند درخواست میکند که او را در حمد و ثنای الهی و برگزیدگانش یاری دهد.

خداوندا به حمد خویش جاری کن زبانم را زبان اهل عرفان بخش جان ناتوانم را
مده طبع مرا اقبال مدح مردم ناکس به نعت مقبلان خود گشایش ده بیانم را
(همان: ۳۷۱)

مدح و مرثیه‌سرایی برای اهل بیت (ع): یوسف یکی از شاعران ولایی دیار کرمانشاه است که تلاش نموده با سرودن اشعار بسیاری در مناقب و مراثی ائمه هدی (ع) ارادت قلبی خود را به آنها ابراز کند.

- منقبت حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)

امیر هل آتی افسر هژبر را دین پرور وصی نفس پیغمبر یدالله حیدر صفدر
فلک‌فرهنگ مهرآورنگ مه‌افرنک کیوان کی هژبر آهنگ ببر آژنگ شیر آرنک اژدردر
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۹۶)

- مرثیه حضرت سیدالشهداء (ع)

بس سالها گذشت ز ایام کربلا خون میچکد همان ز در و بام کربلا
در بر کشید زینت دوش رسول را شد حاصل از زمان عجب کام کربلا
(همان: ۳۲۴)

بزرگداشت مناسبت‌های آیینی: یوسف در بزرگداشت عید غدیر، از بزرگترین مناسبت‌های آیینی اهل تشیع اینگونه میسراید:

امروز، روز عید غدیر است، کز شرف شد جانشین ختم رسل، شاه انس و جان
امروز گشت آیه اُکملت دینکم نازل ز کردگار به ختم پیمبران
(همان: ۵۳۲)

مدح پادشاهان و امیران: یوسف در دوران شاعری خود به مدح و بزرگداشت بسیاری از حاکمان و امرای زمانه خود همت گماشته است. با توجه به اینکه بهترین و شناخته‌ترین قالب برای مدح، قالب قصیده است، عمده اشعار مدحی خود را در قصاید جای داده است.

مهر سپر جود، محمدحسین خان آن کاین جهان پیر شد از عدل او جوان
یا رب همیشه باد همه روز او چو عید از روز عید تا بود اندر جهان، نشان
(همان: ۵۳۳)

همانطور که مشاهده میشود، مدحهای یوسف عمدتاً با دعا و درخواست پابندگی برای ممدوح به پایان میرسند. نوجویی و مفاخره ادبی: یکی از عناصر روانی-شخصیتی که در آثار منظوم و منثور شاعران و نویسندگان تمام دورانها جلوه‌گر شده، مسئله نوجویی و مفاخره ادبی است. اشعار یوسف نیز بعنوان شاعری خوش‌قریحه از این خصیصه بر حذر نمانده است. او در جای‌جای اشعار خود، سخن و ادبیات خویش را زینت‌بخش عرصه هنر و دانش معرفی میکند.

آن سخن‌سنجم که از مشاطه افکار من شاهدان بزم دانش، زیب و زیور یافته
باغبان معرفت از رشح ابر خامه‌ام در گلستان سخن گلهای ازهر یافته
(دیوان محمدیوسف کلهر: ۱۶۷)

مضامین عارفانه

برجسته‌ترین درونمایه‌های عرفانی در اشعار یوسف عبارتند از:

تقدیرگرایی

ز جام عیش کجا نشئه در دماغ من است که خون دل ز ازل قسمت ایاغ من است
منم که بهر غم و محنت جهان خراب فلک دواسبه شب و روز در سراغ من است
(همان: ۴۱۶)

نکوهش دنیا و مادیات

یوسف ملول شد دلم از تنگنای جسم سیر فضای مملکت جانم آرزوست
(همان: ۴۲۶)

مسئله وحدت

یکی است مقصد ما عاقبت اگر ز دو راه تو را به کعبه، مرا سوی دیر آهنگ است
(همان: ۴۱۲)

تسلیم محض

کجا ماند نشان از عاشقان در عرصه هستی اگر جانان جمال جانفزا از پرده بنماید
به جان استاده‌ام در محفل تسلیم، شمع‌آسا مرا گر سوختن و سر بریدن هرچه فرماید
(همان: ۴۷۳)

خردستیزی

به راه هوش چه پویی، به عیش و مستی کوش که هوش آفت جان است و باده آفت هوش
(همان: ۴۹۷)

نتیجه‌گیری

معرفی چهره‌های ادبی و تحلیل سبک‌شناسی آثار براساس ویژگیهای زبانی، ادبی و فکری سبب باز شدن افقهای نوینی دربرابر چشم پژوهشگران عرصه ادبی میشود؛ خصوصاً اگر این تحلیل و پژوهش بر روی آثار هنرمندانی

گمنام همچون محمدیوسف کلهر کرمانشاهی صورت پذیرد، سبب آشنایی هرچه بیشتر با میراث ادبی آنها بمنزله گنجینه‌ای ارزشمند و عظمت علمی شاعران و نویسندگان این مرزوبوم خواهد شد.

با بررسی انواع مختصات شعری یوسف نتایج زیر حاصل شد:

محمدیوسف کلهر کرمانشاهی از شاعران زبردست مکتب بازگشت ادبی است که زبان شعری او همانند بیشتر شاعران این عصر ساده، روان، پخته و البته متأثر از سبک خراسانی و عراقی است.

یوسف در مجموع قصاید و غزلیات خود از ده وزن پرکاربرد در شعرفارسی استفاده نموده که در این میان بیشترین بسامدها متعلق به بحرهای هزج و مجتث هستند. انواع قافیه و ردیفهای بکاررفته در اشعار وی نیز در عین برخورداری از هماهنگی و تناسب، در خدمت اتصال مفاهیم به یکدیگر و ارائه اندیشه‌های شاعر هستند. بطور کلی هرچند آثار بجای‌مانده از دوران بازگشت ادبی، بلحاظ سبکی، تقلیدی از آثار پیشینیان بشمار می‌آید اما در عین حال وجود برخی ویژگیها و نوآوریهای خاص از جمله ترکیبهای لبداعی، نادر و زیبای شاعر در ایجاد سبک شخصی او تأثیرات بسزایی داشته و همین مسئله سبب شده اشعار یوسف در میان هم‌نوعانش برجستگی خاصی داشته باشد.

بسامد بالای واژگان عربی، اصطلاحات مربوط به علوم موسیقی، نجوم و بویژه فلسفه حکایت از جامعیت دانش، اندیشه و روح بلند این شاعر دارند؛ امری که در برخی موارد، قصاید او را به اشعاری دیرپاب تبدیل کرده است. از نظر سطح ادبی و در مقوله بیان، میتوان تشبیه را برجسته‌ترین صورت خیال در اشعار یوسف دانست. کاربرد انواع تشبیه شامل تشبیه بلیغ، جمع، تفضیل و غیره گواه این مدعا است. این تشبیهات که همراه با تصاویری نو و ابتکاری هستند در کمال سادگی، طراوت و شور خاصی به شعر او بخشیده‌اند. همچنین تلمیح، کنایه و جناس بعنوان آرایه‌های پر بسامد شایان یادکرد هستند.

مضامین عاشقانه، مذهبی و آیینی، مدح امیران و مفاخرات ادبی، از اندیشه‌هایی هستند که به اشعار یوسف پرتو افکنده‌اند. در این میان مضامین عاشقانه پربارترین درونمایه در میان قصاید و غزلیات او بشمار می‌آیند. همچنین حضور پررنگ واژه‌ها و مضامین مذهبی- آیینی نشان از رویکرد پویای اسلامی شاعر دارند.

مشارکت نویسندگان

سرکار خانم زینب حیدری‌فرد در گردآوری داده‌ها و آقای دکتر عبدالرضا نادری‌فر در تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض

احتمالی منافع و حامیان مالی پژوه به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکرشده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Fotouhi, Mahmoud. (۲۰۱۲). *Stylistics of theories, approaches and methods*, Tehran: Sokhan.
- Homayi, Mir Jalaluddin. (۲۰۱۲). *Rhetoric Techniques and Literary Crafts*, Tehran: Homa, p. ۶۰, ۷۴.
- Kazzazi, Mir Jalaluddin. (۲۰۰۶). *Bayan (Aesthetics of Persian speech)*. Seventh edition. Tehran: Markaz Publishing, p. ۹۵.
- Khalili Jahantigh, Maryam. (۲۰۰۱). *Sib Baghe Jan*, Tehran: Sokhan, p. ۱۴۱.
- Kalhor Kermanshahi, Mohammad Yousef. (۲۰۱۲). *Poetry Divan, Introduction and correction by Mohammad Ibrahim Malmir and Azadeh Hosseinzadeh*, Tehran: Ansari.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۰۱). *Iranian literature from the time of Jami until today*, Published in the history of Iranian literature from the beginning until today. Authors: George Morlin and Translated by Yaqub Azhand. Tehran: Gostareh, p. ۲۶.
- Shafiee Kodkani, Mohammad Reza. (۲۰۱۲). *Music of poetry*, Thirteenth edition. Tehran: Agah, p. ۳۹۳.
- Shamloo, Akbar and Dezfulian, Kazem. (۲۰۰۸). *Literary return and linguistic coordinates of poetry of that period*, *Journal of the History of Persian Literature*, No. (۵۹/۳), pp. ۹۰-۱۰۲.
- Vahidian Kamyar, Taghi. (۱۹۹۰). *Weight and rhyme of Persian poetry*, Tehran: University Center.

فهرست منابع فارسی

- ادبیات ایران از روزگار جامی تا به امروز، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). چاپ شده در تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز. نویسندگان: جورج مورلین و ... ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
- بازگشت ادبی و مختصات زبانی شعر آن دوره، شاملو، اکبر و دزفولیان، کاظم (۱۳۸۷). *مجله تاریخ ادبیات فارسی*، شماره (۳/۵۹)، صص ۹۰-۱۰۲.
- بیان، کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۵). *زیبایی‌شناسی سخن پارسی*، چاپ هفتم، تهران: نشر مرکز.
- دیوان اشعار، کلهر کرمانشاهی، محمدیوسف (۱۳۹۱). به مقدمه و تصحیح محمدابراهیم المیر و آزاده حسین‌زاده، تهران: انصاری.
- سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی، محمود (۱۳۹۱). تهران: سخن.
- سیب باغ جان، خلیلی جهان‌تیغ، مریم (۱۳۸۰). تهران: سخن.

فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۹۱). تهران: هما.
موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱). چاپ سیزدهم. تهران: آگاه.
وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۹). تهران: مرکز دانشگاهی.

معرفی نویسندگان

عبدالرضا نادری فر: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(Email: a.naderifar@razi.ac.ir) (نویسنده مسئول)
زینب حیدری فرد: دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
(Email: zheidari100@gmail.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Abdolreza Naderifar: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email: a.naderifar@razi.ac.ir: Responsible author)
Zeinab Heidarifard: Graduate of the Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran.
(Email: zheidari100@gmail.com)